



اساس سوسیالیسم انسان است
چه در ظرفیت جمعی و چه فردی.
سوسیالیسم جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.

منصور حکمت

۲۴۷

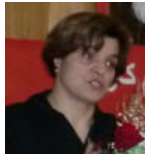
برای

یک دنیای بهتر

نشریه حزب اتحاد کمونیسم کارگری

Weekly publication of Worker - communism Unity Party

سردبیر: سیاوش دانشور e.mail: siavash_d@yahoo.com چهارشنبه ها منتشر میشود ۲۱ مارس ۲۰۱۲ - ۲ فروردین ۱۳۹۱



در باره طرح
"شورای پایه گذاری حکومت کارگری - سوسیالیستی"

صفحه ۳

گفتگو با نسرین رضاعلی



پیام حزب اتحاد کمونیسم کارگری
به مناسبت فرا رسیدن سال نو

علی جوادی

سال نو مبارک

مردم آزادیخواه

از جانب رهبری حزب اتحاد کمونیسم کارگری رسیدن سال نو را به همه شما تبریک میگویم.



تاریخ تکرار میشود:

زنان در تونس فریاد می زنند
"ما انقلاب نکردیم که به عقب برگردیم!"

صفحه ۴

آذر ماجدی

جنگ میان دو قطب تروریستی در سوریه

"شورای ملی سوریه" آلترناتیو دست ساز ارتجاع منطقه و بین المللی

صفحه ۶

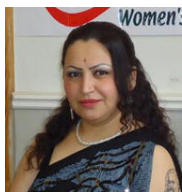
آذر ماجدی



تعیین حداقل دستمزد، یورش دیگر رژیم
باید اعتصاب کرد، باید رژیم را به عقب راند!

صفحه ۸

پدرام نواندیش



ناسیونالیسم کرد و مسئله زن

بخش کوچکی از رازهای سیاه
قسمت اول

صفحه ۷

دریا جوادیان

اطلاعیه اول بنیاد منصور حکمت

در صفحات دیگر:

کارگران شرکت مهندسین مشاور یکم، کارگران سرو مشرق
زمین، تعطیلی کارخانه نوپان گیلان، کارگران شرکت آرم
فرم، کارگران شرکت توسعه و معادن

سالی که گذشت سال تشدید بی سابقه گرانی، فقر و فلاکت، بیکاری و سال تشدید بی حقوقی و مصائب بیشمار زندگی مردم بود. بعلاوه در سال گذشته ما شاهد تشدید تخاصمات دو قطب تروریستی جهان معاصر بودیم. تحریم اقتصادی، که اساسا سلاحی کشنده علیه توده های مردم کارگر و زحمتکش است، اکنون به یک واقعیت زشت زندگی تبدیل شده است. خطر یک جنگ خانمانسور بر بالای سر جامعه قرار گرفته است و هر روز شاهد عریبه کشی های جنگی طرفین هستیم.

اما این تنها یک روی سکه و گوشه ای از واقعیات است، علیرغم خفقان و اختناق بی سابقه، علیرغم دستگیریها و زندانها ما همچنان شاهد اعتراضات کارگران و توده های مردمی هستیم که در کمین رژیم اسلامی نشسته اند و برای سرنگونی اش تلاش میکنند.

مردم آزادیخواه

به این مصائب و معضلات میتوان و باید پایان داد. اما پایان این دوران سیاه اسلامی و سرمایه با گره زدن سرنوشت خود به جنگ تروریستها و بمب افکنهای آمریکایی ممکن نیست. پایان دادن به استبداد و استثمار و بی حقوقی با تحریم اقتصادی ممکن نیست. پایان دادن به جنگ و تحریم اقتصادی با قرار گرفتن در دفاع از اردوی اسلامی ممکن نیست. هیچ صفحه ۲

پیام حزب اتحاد کمونیسم کارگری به مناسبت
فرا رسیدن سال نو

سال نو مبارک ...

دفاعی از رژیم اسلامی با هیچ بهانه ای را نباید پذیرفت. هیچ دفاع از جنگ و تحریم را با هیچ بهانه ای نباید پذیرفت. تنها یک اردوی آزادیخواهی و برابری طلبی وجود دارد و آن اردوی کمونیسم کارگری است. کمونیسم کارگری تنها جنبشی است که متضمن آینده ای بهتر، خوشبختی و سعادت همگان است. دستیابی به اهداف دیرینه جامعه، در گرو قدرت گیری این جریان و پیروزی این جنبش بر ارتجاع و تبعیض و نابرابری و استبداد و استثمار است.

امیدوارم که سال نو سال تعیین تکلیف نهایی انقلابی با رژیم اسلامی و برپایی جامعه ای آزاد و برابر و مرفه بر ویرانه های رژیم اسلامی باشد.

علی جوادی

دبیر کمیته مرکزی حزب اتحاد کمونیسم
کارگری

۱۹ مارس ۲۰۱۲

کارگران شرکت مهندسین مشاور یکم

دستمزدهای اسفند ماه پرداخت نشد!

دستمزدهای اسفند ماه بیش از ۲۰۰۰ نفر از کارگران شرکت مهندسین مشاور یکم پرداخت نشد. عدم پرداخت دستمزدهای کارگران در حالیست که به دستور شنتیا مدیر شرکت فقط مبالغی تحت عنوان عیدی به حساب کارگران واریز شده است. واریز مبالغ ناچیزی تحت عنوان عیدی به حساب کارگران عملاً ترفند شنتیا و شرکای دزدش برای ماستمالی و سر کیسه نمودن حقوق واقعی و دستمزدهای کارگران است. عوامل کارفرما با واریز مبالغ ناچیزی به حساب کارگران از پرداخت و محاسبه دستمزدهای ناچیز کارگران و سنوات طفره رفته اند. در شرایط گرانی و تورم و فقر روز افزون این دزدی و جنایت آشکار حکومت اسلامی و سرمایه داران علیه کارگران است.

از جمله خواستههای اصلی کارگران افزایش فوری و عادلانه دستمزدها مطابق با تورم و گرانی و پرداخت بموقع و به روز دستمزدهاست. تعیین دستمزدهای ۳۸۹ هزار تومانی از طرف حکومت اسلامی و نپرداختن دستمزدها از جانب سرمایه داران نشان از اشتهای سیری ناپذیر همه این جانوران برای ارتکاب به دزدی و جنایت هرچه بیشتر بر علیه خانواده های کارگریست.

شرکت عمرانی مهندسین مشاور یکم با بیش از ۲۰۰۰ نفر کارگر قراردادی با دستمزدهای ۳۳۰ هزار تومانی و تعدادی کارگران ساعت مزد که دریافتیشان کمتر از کارگران قراردادی است، مجری و سازنده انواع پروژه های عمرانی و سد سازی است. هم اکنون تعدادی از کارگران در پروژه احداث سد بیجار شهر در استان گیلان و تعدادی نیز در طرحهای عمرانی در لنگرود و لاهیجان و بخشی از کارگران در پروژه های احداث سد در افغانستان و ... مشغول به کارند. ساعت کاری کارگران ظاهراً از ۸ صبح تا ۵ شب و اما اضافه کاری اجباری تا شب و کار در همه ایام تعطیل برقرار است در ازای دستمزدهای ناچیز و حداقلی که آن هم با تاخیر و انواع کارشکنی پرداخت میشود. دفتر مرکزی شرکت در چهار راه طالقانی و خیابان زرتشت تهران واقع است.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری

۲۰ مارس ۲۰۱۲ - ۱ فروردین ۱۳۹۱

کارگران سرو مشرق زمین

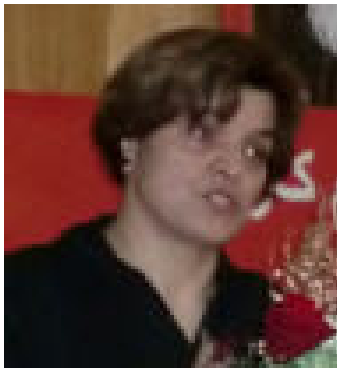
دستمزدهای اسفند و عیدی و پاداش سال معوق!

امروز بیست و نهم اسفند ماه علیرغم پایان سال و نیاز مالی شدید کارگران حتی برای گذران روزانه زندگی، دستمزدهای اسفند ماه و عیدی و پاداش پایان سال ۱۰ نفر از کارگران سرو مشرق زمین پرداخت نشده است. سیار مدیر شرکت با گستاخی به کارگران گفته است فرار که نکرده ام آنطرف سال با شماها حساب میکنم!

یکی از کارگران میگفت: ما که از خانواده هایمان دوریم، چند نفری در اینجا در اتاقی که فقط محل خوابیدن شبانه ماست بدون هیچ امکاناتی زندگی میکنیم، خانواده های ما در افغانستان زندگی میکنند آنها چشم براه چندرغاز پولی هستند تا برایشان بفرستیم تا زنده بمانند. خودمان هم در اینجا در ایران توسط این حکومت اسلامی و امثال سیار گرفتار شده ایم. ما اگر محتاج نبودیم از افغانستان برای کار به ایران نمی آمدیم، جرم ما زندگی شرافتمندانه است. حالا هم که بطور شبانه روزی به دست این سیار (شرکت مشرق زمین) اسیر شده ایم، دستمزد و حق و حقوقمان را هر روز به یک بهانه ای نمیدهد. چند روزیست پولمان تمام شده. قبلاً بیشتر خورد و خوراک ما نان و شکر و سیب زمینی و تخم مرغ بود حالا فقط خوراک مان نان و شکر شده بخاطر بی پولی سیب زمینی و تخم مرغ هم از سفره ما حذف شده. دستمزدمان را نمی دهند خودمان در اینجا و خانواده هایمان در نهایت انتظار و فقر و گرسنگی و محرومیت و جنگ در افغانستان گرفتارند.

شرکت پیمانکاری سرو مشرق زمین فعلاً با ۱۰ نفر کارگر که در شرایط کاری نه قراردادی و نه روزمزد هستند، فقط به کارگران گفته اند ماهی ۳۰۰ هزار تومان به شما می پردازیم که البته از پرداخت همین دستمزد هم پیشترمانه طفره میروند، با ساعت کاری شبانه روزی در ایام تعطیل و غیر تعطیل طرف قرارداد شهرداری منطقه ۵ تهران و ارائه دهنده خدمات مربوط به پارکها و فضای سبز میباشد. این کارگران زحمتکش از شهروندان افغانستانی بوده که عمدتاً بلعت اقامت غیر قانونی در ایران و محرومیتهای ناشی از اقامت غیر قانونی در شرایط معیشتی و کاری بسیار سختی بسر میبرند و محل زندگی جمعی آنها اتاقکهایی است که در مجاورت دستشویی پارکها در اختیار آنها گذاشته اند.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری ۲۰ مارس ۲۰۱۲ - ۱ فروردین ۱۳۹۱



در باره طرح "شورای پایه گذاری حکومت کارگری - سوسیالیستی"

گفتگو با نسرین رمضانعلی

سمت دهی به مبارزات طبقه کارگر و مردم سرنگونی طلب در داخل کشور چیست؟

نسرین رمضانعلی: در پاسخ به این سوال باید بگویم که ما کمونیست های کارگری همواره تاکید داشته ایم که داخل و خارج کاملاً بهم متصل هستند. باینگونه نیست که خارج پشت جبهه داخل باشد. ملی - اسلامی ها تلاش زیادی برای گرد و خاک کردن انجام داده اند تا خود را دارای ریشه داخل کشوری مطرح کنند و کمونیست ها را بی ربط به آن. اما اینها یک تبلیغات بی پایه بیش نیست.

مبارزه علیه رژیم اسلامی در داخل و خارج کشور به پیش می رود. این مبارزات بر هم تاثیرات بسیاری می گذارند. اپوزیسیون رژیم اسلامی در خارج کشور نیز بسیار قطبی است. چپ و راست در مقابل هم صف آرایی کرده اند. پروسه آلترناتیو سازی جریان راست و ارتجاعی در خارج کشور به پیش می رود و این جریان می کوشد از کلیه امکانات رسانه ای در خارج کشور به این منظور استفاده کند. چپ نیز باید بکوشد تا

گذشته شاهد بوده ایم که راست چگونه در اشکال مختلف تلاش داشته خود را بعنوان یک آلترناتیو مطرح کند. از علم کردن چهرهای ناشناس تا درگیر کردن بخشی از سران حکومت که امروز، در پی تصفیه های درونی رژیم اسلامی به خارج کشور آمده اند. این افراد را مکرراً بعنوان شخصیت های مبارز سیاسی و رهبران مردم مطرح می کنند و هزاران رسانه و تریبون در اختیارشان قرار میدهند. می کوشند جنایتکاران رژیم اسلامی، کسانی که در اعدامها و کشتار مردم دست داشته اند را بعنوان رهبر آلترناتیو به مردم قالب کنند. این چهره ها به یمن مبارزات کمونیستها و چپ انقلابی برای مردم افشاء شده اند.

اما مساله اینجاست که تنها افشای این چهره ها و آلترناتیو دست ساز راست کافی نیست. ما کمونیست ها باید آلترناتیو چپ و انقلابی را در مقابل جامعه قرار دهیم. جامعه ایران بشدت قطبی است. راست و چپ در مقابل هم قرار گرفته اند. ما باید این پولاریزاسیون را تشدید کنیم و آلترناتیو چپ و کمونیستی را در مقابل جامعه قرار دهیم. این طرح تلاشی است در این راستا که قصد دارد تمام احزاب، سازمانها و شخصیت های که خود را کمونیست و متعلق به اردوی چپ انقلابی می دانند را حول این طرح گرد آورد.

یک دنیای بهتر: آیا این طرح از طرف حزب برای اپوزیسیون در خارج کشور است؟ جایگاه این طرح در

یک دنیای بهتر: آیا این طرح تلاشی از جانب حزب اتحاد کمونیسم کارگری برای متحد کردن نیروهای چپ است؟

نسرین رمضانعلی: اجازه بدهید قبل از پرداختن به سوال شما توضیحی بدهم. طی سالیان گذشته ما شاهد طرحها و پلاتفرمهای متعددی بوده ایم که تلاش شان ایجاد یک جبهه بوده است. این طرحها یا پلاتفرمها بر مبنای انجام اقدام مشخصی شکل نگرفته اند، بلکه بیشتر از این زاویه مطرح شده که جریانات یا احزاب مختلف را حول یک پلاتفرم جمع کند، مثل اتحاد چپ، اتحاد سوسیالیستها و قس علیهذا. کلیه این طرحها ناموفق بوده است. خیلی روشن است که هیچ حزبی حاضر نیست از سیاستها و برنامه خود دست بردارد.

پس از این توضیح میتوان سر اصل سوال رفت: آیا این طرح تلاشی است برای متحد کردن نیروهای چپ؟ پاسخ من هم نه است و هم آری. نه به این معنا که هیچ حزبی قرار نیست خودش را منحل کند و در یک سازمان دیگری مستحیل شود. آری باین معنا که این طرح پلاتفرمی برای فعالیت حول یک هدف مشترک فراهم می آورد.

چه اهدافی را دنبال میکند. اکنون تمام نیروهای اپوزیسیون از راست و چپ به این مساله رسیده اند که جمهوری اسلامی دچار یک بحران لاینحل است و به بن بست رسیده است. ما همواره بر این مساله پای فشرده ایم و اعلام کرده ایم که رژیم اسلامی رفتنی است. اکنون بنظر می رسد که بخش اعظم اپوزیسیون به این ارزیابی رسیده اند. ما در سالهای

یک آلترناتیو چپ و انقلابی شکل دهد و امکان انتخاب را برای مردم فراهم آورد. به هر درجه چپ در خارج کشور قوی باشد تاثیر مستقیم بر قطب چپ در ایران می گذارد. به هر درجه فضای اینجا قطبی شده باشد و چپ هیچگونه آوانسی به راست ندهد، به همان نسبت چپ در درون جامعه و در دل یک مبارزه طبقاتی قاطعتر و محکمتر در مقابل راست خواهد ایستاد و یک سرسوزن از خواستهای خودش پایین نخواهد آمد.

این طرح تلاش کرده تصویری از فردای قدرت گیری چپ ارائه بدهد. تاکید آن بقدرت شورایی، امر تشکیل شوراها را در میان مردم و طبقه کارگر تسهیل می کند. لذا بنظر من این طرح و مطرح شدن آن برای کل جامعه فعالیت در میان طبقه کارگر و مردم را برای تشکل یابی و سازماندهی بسیار آسانتر می کند.



تاریخ تکرار میشود:

زنان در تونس فریاد می زنند

"ما انقلاب نکردیم که به عقب برگردیم!"

آذر ماجدی



مردم قرار داده اند.

خودنمایی می کرد: "کار، آزادی، حرمت"؛ "بنام کارگر و دهقان ما

حقوق زن و سکولاریسم بالا گرفته است و دو جریان در دفاع از خواست هایشان مرتباً دست به تظاهرات می زنند. در هفته های اخیر میان گروه های دانشجویی سکولار و اسلامیست ها در چند دانشگاه زد و خورد شده و به چند مسجد حمله شده است.

زنان بیشماری در تظاهرات دیروز شرکت داشتند. "تونس آزاد است، نه به خلیفه، نه به مغزهای عقب مانده"؛ "ما انقلاب نکردیم که به پیش از تاریخ برگردیم"؛ "مردم دولت

این شعار زنان در تظاهرات دیروز در تونس بود. سه شنبه ۲۰ مارس، تظاهراتی وسیع بمناسبت سالروز استقلال تونس در پایتخت برگزار شد. هزاران نفر در خیابان اصلی تونس، بلوار حبیب برقیه علیه نیروهای اسلامی و در دفاع از یک دولت سکولار، آزادی زن و برابری زن و مرد دست به تظاهرات زدند. این تظاهرات چهار روز پس از تظاهرات اسلامیست ها در روز جمعه در مقابل مجلس موسسان برگزار شد. اسلامیست ها خواستار برقراری قوانین شریعه در تونس هستند.



باصطلاح اسلام معتدل قرار است الگوی ترکیه را در منطقه پیاده کند. تروریسم دولتی بسرکردگی آمریکا در تلاش شکل دادن به یک جریان اسلامی است که در عرصه اقتصاد و سیاست از خط استراتژیک غرب حمایت می کند، مانند دولت اسلامی ترکیه. دولت های غربی بخوبی آگاهند که یک دولت اسلامی با مخالفت بخش وسیعی از مردم روبرو خواهد شد؛ بعلاوه در سیاست داخلی نیز برای این دولت ها مشکل خواهد بود که حمایت شان از یک جریان اسلامی را بخورد مردم بدهند. مگر نه آنکه ده سال به بهانه مبارزه با تروریسم اسلامی، دو کشور عراق و افغانستان را با خاک یکسان کردند؛ مگر نه آنکه آزادی های مدنی را بشدت در کشورهای غربی محدود نمودند؛ مگر نه آنکه تحت نام جنگ علیه تروریسم هزاران انسان جان باختند و میلیاردها دلار به آتش کشیده شد؛ لذا باید این جریان اسلامی را

مبارزه را ادامه می دهیم". یکی از شعارهای جالب توجه این تظاهرات چنین بود: "ما حاضر نیستیم تجربه ایران را از سر بگذرانیم".

بدنبال خیزش توده ای در خاورمیانه و آفریقای شمالی، اسلامیست ها که پیش از این نیز در حکومت سهم داشتند، قدرت بسیار بیشتری یافته اند. در مصر اکثریت آراء نصیب اسلامیست ها، اخوان المسلمین و سلفی ها شد؛ در تونس نیز اسلامیست ها اکثریت آراء را بدست آوردند. در دولتی که با پشتیبانی کامل غرب و ناتو در لیبی بقدرت رسید نیز نقش اسلامیست ها افزایش یافته است. اگرچه رهبر حزب ائهادا در تبعید بسر می برد و برخی از فعالین اخوان المسلمین در زندان بودند، اسلامیست ها تنها جریان مجاز سیاسی در این دو کشور محسوب می شدند. و اکنون که مردم بپا خاسته اند و خواهان تغییر اوضاع هستند، دولت های غربی به همراه بورژوازی این کشورها، آلترناتیو "اسلام معتدل" را در مقابل



سکولار می خواهند؛ "جدایی دین از حکومت"؛ "اجازه نمیدهیم که تاریخ اندیشان انقلابمان را بدزدند"؛ برخی از شعارهای این تظاهرات بود: زنان فریاد می زدند: "ناهادویست (زنی که از فعالین حزب ائهادا است) گمشو! زن از تو قویتر است". شعارهای دیگری که در طول خیزش توده ای سال اخیر طرح می شد، در این تظاهرات

عروج اسلامیست ها بقدرت در تونس موجد هراس و نگرانی بخش وسیعی از مردم شده است. علاوه بر حزب اسلامیست "ائهادا" که در انتخابات مجلس موسسان اکثریت آراء را بدست آورده است، جریان اسلامی سلفی نیز به یک گروه فشار مهم علیه سکولاریسم، حقوق زن و مدرنیسم بدل شده است. از انتخابات اخیر تنش و درگیری میان اسلامیست ها و طرفداران

زنان در تونس فریاد می زنند

"ما انقلاب نکردیم که به عقب برگردیم!" ...

بزک کرد. از این رو است که نام "اسلام معتدل" و الگوی ترکیه مطرح شده است.

تاریخ دوباره تکرار می شود. در سال ۱۳۵۷ دولتهای غربی در هراس از قدرتگیری چپ و کمونیسم در ایران، اسلامیت ها را بر سر مردم ایران خراب کردند. کنفرانس گوادولوپ جایی بود که نقشه های سیاه و پلید علیه انقلاب مردم کشیده شد. خمینی را یکشنبه به رهبر بدل کردند و



جنبش انقلابی مردم برای آزادی، برابری و عدالت را به "انقلاب اسلامی" و اکنون بیش از سی سال است که این حیوانات کثیف بجان مردم افتاده اند؛ سی و چند سال است که یک کشمکش دائمی میان مردم و رژیم اسلامی در جریان است که به کشته شدن هزاران نفر و زندانی شدن بسیاری دیگر انجامیده است. یک

جنگ دائمی میان این رژیم و جنبش آزادی زن از همان بدو بقدرت رسیدن این رژیم شکل گرفته است. در ۱۷ اسفند (۸ مارس) ۱۳۵۷ هزاران زن در خیابانهای تهران و چند شهر بزرگ دیگر علیه حجاب اسلامی و برای حقوق برابر دست به تظاهرات زدند. این اولین اعتراض توده ای علیه رژیم اسلامی بود. "ما انقلاب نکردیم

تعطیلی کارخانه نئوپان گیلان

(صومعه سرا)

اخراج و بیکاری کارگران در پایان سال!

در اطلاعیه قبلی در تاریخ هفتم اسفند ماه اعلام نمودیم ۱۵۰ نفر از کارگران کارخانه نئوپان گیلان به دلیل کارشکنی عوامل کارفرما دستمزدهای سه ماهه آذر، دی و بهمن را دریافت ننموده اند و محمدی در جواب کارگران معترضی که خواستار دریافت دستمزدهایشان بوده اند با نشان دادن قبض برق پرداخت نشده کارخانه خطاب به کارگران گفته است من حتی پولی برای پرداخت قبض کارخانه ندارم چه رسد به دستمزدهای شما!

در چند روز گذشته به دلیل عدم پرداخت بهای قبض برق از طرف اداره برق، برق کارخانه قطع شده و عملاً کارخانه به حالت تعطیل در آمده است. محمدی مدیر و مالک کارخانه که خودش در روزهای پایانی سال برای نپرداختن دستمزدهای معوق و عیدی و پاداش پایان سال کارگران این سوژه را طراحی و اجرا نموده خطاب به کارگران اعلام داشته است: نگفتم حتی پولی برای پرداخت بهای قبض کارخانه ندارم، حالا که اداره برق، برق کارخانه را هم قطع نموده اند دیگر وضعیت بدتر شده من اگر پولی داشتم بهای قبض برق را می پرداختم تا کارخانه به این روز نیافتد. شما کارگران هم بعلت تعطیلی کارخانه بهتر است به فکر کاری برای خودتان باشید. محمدی با سرهم نمودن دروغهای شاخدار ندارم و نیست و ورشکست شدم در این روزهای پایانی سال با کلاشی کارخانه را به تعطیلی کشانده و علاوه بر عدم پرداخت دستمزدهای ۴ ماهه آذر، دی و بهمن و اسفند در این روزهای پایانی سال حتی ریالی هم از بابت عیدی و پاداش پایان سال و سنوات به کارگران نپرداخته و با شگرد رزیلانه عدم پرداخت قبض برق و تعطیلی کارخانه همه کارگران را نیز از کار اخراج نموده است.

یکی از کارگران می گفت: امروز مثلاً آخرین روز سال و بیست و نهم اسفند ماه است. با جیب خالی و با سرگردانی و بیکاری فردا به استقبال عید و سال جدید می رویم، ما ۱۵۰ نفر کارگر کارخانه نئوپان هم از کار اخراج شده ایم و هم ۴ ماه دستمزد و عیدی و پاداش و سنوات پایان سال را طلبکاریم. نپرداختن پول برق و تعطیلی کارخانه ترفند محمدی برای تعطیلی کارخانه و نپرداختن دستمزدها و پاداش و عیدی پایان سال و اخراج ما کارگران است.

کارخانه چوب نئوپان گیلان واقع در صومعه سرا با بیش از ۱۵۰ نفر کارگر قراردادی با قراردادهای ۳ ماه تا یکسال و دستمزدهای پرداخت نشده ۳۰۰ هزار تومانی در دو شیفت ۱۲ ساعته کاری تولید کننده انواع چوب و تخته نئوپان میباشد. هم اکنون کارخانه تعطیل و کارگرانی که ۴ ماه دستمزد و عیدی و پاداش پایان سال را هم دریافت نکرده اند از کار اخراج و بیکار شده اند.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری

۲۰ مارس ۲۰۱۲ - ۱ فروردین ۱۳۹۱



آذر ماجدی

جنگ میان دو قطب تروریستی در سوریه

"شورای ملی سوریه" آلترناتیو دست ساز ارتجاع منطقه و بین المللی

استفاده کرد؛ اعطای جایزه نوبل به یکی از زنان فعال، مانند شیرین عبادی، یکی از ترفندهای تروریسم دولتی بود.

مورد سوریه اما بنظر پیچیده تر می نماید. ارتجاع منطقه و بین المللی که در آلترناتیو سازی تبحر خاصی یافته اند، در مورد سوریه پروسه آلترناتیو سازی را سریعاً آغاز کردند. در ۲۳ اوت ۲۰۱۱ در شهر استانبول، ترکیه، جریان تحت عنوان "شورای ملی سوریه" اعلام موجودیت کرد. سخنگوی این جریان اعلام کرد که شورا متشکل از ۱۱۵ تا ۱۲۰ نفر از کلیه سازمان های اپوزیسیون سوریه خواهد بود. هویت بخش وسیعی از این افراد هنوز نامعلوم است. این جریان خود را نماینده مردم سوریه می خواند. در ماههای اخیر تلاشهای بسیاری از جانب شورای همکاری خلیج، لیگ عرب و دولتهای غربی بعمل آمده است تا سازمان ملل با دخالت نظامی موافقت کند. اما وتوی روسیه و چین در شورای امنیت تاکنون مانع شده است. لیکن این مساله مانع ارسال اسلحه از جانب عربستان سعودی، قطر و عراق به "ارتش آزاد سوریه" نشده است.

در آلترناتیو سازی در منطقه شورای همکاری خلیج نقش "مبتکر و طراح" بخود گرفته است. دولتهای غربی در راس آن آمریکا بیشتر نقش پشت پرده ایفاء می کنند. بدنبال وتو روسیه و چین، آمریکا

بازگرداندند. انتخابات در هر دو کشور اکثریت را نصیب اسلامیت ها کرد؛ اسلامیت هایی که با صفت "اسلام معتدل" بزرگ شده اند و الگوی ترکیه را نوید می دهند!

در لیبی که قدرت چنین مانپولیاسیونی را نداشتند، با کمک دولتهای ارتجاعی منطقه تحت نام "شورای همکاری خلیج" یک آلترناتیو ساختند؛ شورای موقت لیبی که مرکب از افراد بالای رژیم قذافی، مامورین سازمان سیا (بطور مثال شخصی بنام هیفتر که از آمریکا به لیبی اعزام شد و یکی از رهبران شورای موقت لیبی است) و اسلامیت ها و روسای عشایر ساخته شد؛ سلاح در اختیار این شورای ساخته و پرداخته تروریسم دولتی گذاشته شد و خیلی سریع، خیزش مردم در لیبی تبدیل به یک جنگ داخلی شد. آنگاه به این بهانه ناتو مداخله نظامی خویش را آغاز کرد و این آلترناتیو ارتجاعی کپک زده را بر سر مردم خراب کرد. قربانیان این توطئه غرب، حکومت های قرون وسطایی منطقه، بویژه عربستان سعودی و قطر، با همکاری ترکیه، مردم عادی و زحمتکش لیبی بودند و هستند. جنبش مردم برای آزادی و خلاصی از دیکتاتوری خونین قذافی وسط راه سقط شد، ربوده شد و با تردستی خاصی عملاً در نطفه خفه شد.

در یمن شرایط بسیار متفاوت بود. جنبش مردم با کشورهای دیگر تفاوت های فاحش داشت. پس از یکسال مبارزه، درگیری و کشتار، صالح کنار رفت و معاونش قدرت را بدست گرفت. این را بعنوان "پیروزی انقلاب" به مردم قالب کردند. در این میان غرب از حیل های سیاسی - تبلیغاتی خویش هم

یک نه بزرگ پاسخ این سوال است. خیزش عظیم توده ای دنیا را شوکه کرد. دولتهای غربی به همراه حاکمین داخلی ابتدا دچار شوک الکتریکی شدند، اما سریعاً نیروهای خویش را جمع کردند تا مانع پیشروی این جنبش ها تا نقطه پیروزی شوند. آرسیتکت ها و طراحان توطئه دست بکار شدند. باید این خیزش عظیم که میرفت کل منطقه را زیر و رو کند، متوقف و منحرف می شد. بهر قیمتی باید پیشروی و رادیکالیزه شدن جنبش مردم برای آزادی سد می شد. ملاقات ها و مذاکرات، سفرهای دیپلماتیک و رسانه های کاسه لیس سازمان یافتند تا مانع شکل گیری یک انقلاب واقعی در منطقه شوند.

برای هر کشوری فراخور قدرت نفوذ و شرایط ویژه آن، نقشه های متفاوتی ریخته شد. در مصر و تونس راس حکومت ها را ساقط کردند؛ اما کلیت نظام دست نخورده باقی ماند. در مصر نظامیان بشکل رسمی قدرت را بدست گرفتند و همان کشتار را ادامه دادند؛ در تونس همان حکومت سابق قدرت را بدست گرفت و تنها پس از مبارزات طولانی مردم، برخی چهره های سابق را برکنار کردند. در این دو کشور، در حالیکه مخالفین رادیکال، چپ و کمونیست و کارگری شدیداً سرکوب می شدند، اسلامیت ها را با سلام و صلوات بجلوی صحنه آوردند. در تونس رهبر تبعیدی حزب اسلامیت را بدنبال تبلیغات گسترده به تونس

مذاکرات پشت پرده، کنفرانس های متعدد با اسامی پرطمطراق، ملاقات های دیپلماتیک، اجلاس های سازمان ملل همگی در جریان اند تا برای دخالت نظامی در سوریه اجازه حقوقی "جامعه بین المللی" و توجیه عامه پسند افکار عمومی جهانی را کسب کنند. در سوریه عملاً یک جنگ داخلی در جریان است. نیروهای نظامی حکومت و آنچه "ارتش آزاد سوریه" نام گرفته است در حال جنگ اند و زندگی را بر مردم سوریه تاریک و سیاه کرده اند. تعداد کشته شدگان یکسال اخیر در سوریه را حدود ۷ هزار نفر اعلام می کنند. مردم برای آزادی، برابری و رفاه بپا خاستند و به خیابان ها آمدند، دولت اسد وحشیانه به مردم حمله ور شد. اما داستان به همین جا ختم نگردید.

آنچه به "بهار عرب" معروف شده است، جنبشی است که مردم شمال آفریقا و خاورمیانه علیه رژیم های مستبد و جنایتکار حاکم برآه انداختند. نطفه های این جنبش در دسامبر ۲۰۱۰ در تونس بارز شد. پس از آن کشور پس از کشور به یک آتشفشان گسترده توده ای بدل شد؛ مردمی که از اختناق، گرسنگی، فقر و فلاکت، زندان و شکنجه، بی عدالتی و فساد حکومتی، تبعیض و نابرابری جانیشان به لب رسیده بود، به میدان آمدند تا خواست و اراده خود را متحقق کنند. خواست آزادی از هر گوشه ای بگوش می رسید. پس از قهرمانی های تحسین انگیز، طی یکسال اخیر ۴ دیکتاتور جنایتکار ساقط شدند. اما آیا مردم این کشورها، یعنی تونس، مصر، لیبی و یمن به خواست هایشان دست یافتند؟

در سوریه جنگ میان دو قطب تروریستی از مردم قربانی می گیرد؛ دولت اسد با حمایت رژیم اسلامی ایران با نیروی ارتجاعی دست ساز تروریسم دولتی که به سلاح های عربستان سعودی، قطر و عراق مجهز شده است، در حال جنگند. دولتهای غربی می کوشند این جنگ را بنفع تروریسم دولتی فیصله دهند. نقش ما دخالت فعال سیاسی برای پشتیبانی از مبارزات آزادیخواهان مردم سوریه علیه هر دو قطب تروریستی است.*

جنگ میان دو قطب تروریستی در سوریه ...

و فرانسه ایده تشکیل ائتلافی تحت نام "دوستان سوریه" را مطرح کردند. لیگ عرب با پشتیبانی ویژه عربستان سعودی و قطر از این ایده حمایت کردند. در ۲۴ فوریه قطر کنفرانسی با عنوان "دوستان سوریه" برگزار کرد. در این کنفرانس "شورای ملی سوریه" بعنوان نماینده مردم بیانیه ای به کنفرانس ارائه داد. تلاش برای دخالت نظامی در سوریه کماکان با قاطعیت توسط دولتهای غربی و لیگ عرب و ترکیه به پیش می رود. اما در سوریه فی الحال یک جنگ داخلی در جریان است که قربانیان آن مردم عادی سوریه هستند که علیه سرکوب و اختناق، فقر و نابرابری به اعتراض دست زدند.

جا دارد به نقش رسانه ها در این میان نیز اشاره شود. رسانه های بین المللی که از سیاست دولتهای متبوع خود پیروی می کنند، در ساختن افکار عمومی برای مهیا کردن فضای جنگی چه در لیبی و چه اکنون در سوریه نقش مهمی ایفاء می کنند. در این میان نقش تلویزیون الجزیره عربی و انگلیسی بسیار گویا و تعیین کننده بوده است. حمایت کامل از دخالت نظامی ناتو در لیبی و اکنون از دخالت نظامی در سوریه و از آلترناتیوهای ساخته و پرداخته ارتجاعی بعنوان یک سیاست امیر قطر توسط این تلویزیون تبلیغ می شود. بیخود نیست که در ماه گذشته در مراسمی در انگلستان تلویزیون انگلیسی زبان الجزیره جایزه بهترین رسانه در خبر رسانی از منطقه را نصیب خود کرد.

دو قطب تروریستی، تروریسم دولتی و اسلامی بشدت برای خفه کردن خیزش مردم منطقه برای

آزادی و برابری و رفاه در تکاپو هستند. توطئه ها و دسیسه های مختلفی در پشت درهای بسته در جریان است. طی یکسال اخیر میلیون ها انسان در این خطه به اعتراض بلند شده اند؛ هزاران نفر جان باخته اند؛ هزاران نفر اسیر و شکنجه شده اند؛ دولتهای حاکم که حاکمیت خود را لرزان و در حال فرو ریختن می بینند وحشیانه به مردم معترض حمله ور می شوند. از آنسوی کل ارتجاع منطقه و بین المللی برای خاموش کردن آتشفشان آزادیخواهی در حال شکل دادن به آلترناتیوهای ارتجاعی هستند. جنگ میان مردم و ارتجاع هنوز خاتمه نیافته است.

همانگونه که ارتجاع بین المللی دست در دست هم برای سرکوب و خفه کردن صدای مردم دست از هیچ جنایت و توطئه ای فرو گذار نمی کند؛ بشریت آزادیخواه و انسان دوست نیز باید در همبستگی از مبارزات مردم برای آزادی، برابری و رفاه بپاخیزد. باید از مبارزات مردم قاطعانه پشتیبانی کرد؛ باید توطئه های ارتجاعی علیه مردم را افشاء و محکوم نمود. باید کوشید دست این نیروهای ارتجاعی را از مبارزات مردم کوتاه کرد. مردم باید بتوانند در تشکلات خود متشکل شوند و علیه نظام موجود مبارزات خود را به پیش برند. نباید اجازه دهیم که سرنوشت لیبی را به مردم سوریه حقه کنند. حکومت اسد و آلترناتیو دست ساز تروریسم دولتی هر دو محکوم اند و باید ساقط شوند.

فرو دستی زن

نفس ستمکشی و فرو دستی زن اختراع سرمایه داری نیست. اما سرمایه داری این میراث نفرت انگیز تاریخ پیشین را تکامل بخشیده و به یک رکن مناسبات اقتصادی و اجتماعی معاصر بدل کرده است. ریشه نابرابری و بی حقوقی امروز زن، نه در افکار کهنه و میراث فکری و فرهنگی نظام ها و جوامع منقرض شده و پیامبران و مذاهب عصر جاهلیت، بلکه در جامعه سرمایه داری صنعتی و مدرن امروز نهفته است. نظامی که به تقسیم جنسی انسان ها در قلمرو تولید به عنوان یک عامل مهم اقتصادی و سیاسی در تضمین سودآوری سرمایه مینگرد. ایجاد انعطاف پذیری نیروی کار در اشتغال و اخراج، ایجاد شکاف و رقابت و کشمکش درونی در اردوی مردم کارگر، تضمین وجود بخش های محروم تر در خود طبقه کارگر که پائین نگاهداشتن سطح زندگی کل طبقه را مقذور میسازد و بالاخره مخدوش کردن خودآگاهی انسانی و طبقاتی بشریت کارگر و دوام بخشیدن به آراء و افکار و تعصبات کهنه و پوسیده و فلج کننده، برکات ستمکشی زن برای سرمایه داری مدرن معاصر و از ارکان انباشت سرمایه در دنیای امروز است.

**تمام فلاسفه تاکنون جهان را
تفسیر کرده اند، حال آنکه مسئله
بر سر تغییر آنست!**

کارل مارکس

به حزب اتحاد کمونیسم کارگری کمک مالی کنید!



دولتی از چند ماه پیش در اظهار نظرهای خود، بارها خط فقر را تا یک میلیون و پانصد هزار تومان اعلام کردند. این رقم هنوز واقعی نیست. واقعیت مخارج و هزینه‌ها در جهنم سرمایه‌داران اسلامی، گویای آنست که کارگران و خانواده‌های آنان با حداقل دستمزد دو میلیون تومان نیز به سختی بتوانند از عهده هزینه‌های یک زندگی حداقل بر آیند. اما چهارمین نشست شورای عالی کارفرمایان حداقل دستمزد را حدود 390000 تومان اعلام و این در حالی است که کارخانه‌داران و صاحبان شرکتهای انگلی و واردکنندگان کالاها، بهای کالاهای مورد نیاز میلیونها کارگر گرسنه را به بهانه‌های مختلف افزایش داده‌اند. این سطح از حداقل دستمزد ادامه یورش به سطح معیشت میلیونها انسان در پروژه حذف یارانه‌ها در آذر ماه 1389 است. اگر خامنه‌ای جنایتکار امسال را سال کوشش اقتصادی و مزخرفاتی از این دست اعلام میکند، یعنی طبقه حاکم و دولت شان باید بیش از پیش کارگران را در فقر و فلاکت شدیدتر له کنند تا شاید هزینه تروریسم و بحران و ورشکستگی شان را تامین کنند.

و اما نقش تشکلهای پلیسی و جاسوسی رژیم در میان کارگران یعنی شوراهاى اسلامی و خانه کارگر و دیگر تشکلهای خود ساخته رژیم برای کارگران روشن است. این تشکلهای پلیسی باید منحل و عوامل شان از مراکز کار بیرون انداخته شوند. اینها بخشی از رژیم و دشمن طبقه کارگراند. اینها دکورهای هستند که جمهوری اسلامی با توسل به آنها هرگونه تهاجم به

تعیین حداقل دستمزد ، یورش دیگر رژیم

باید اعتصاب کرد ، باید رژیم را به عقب راند!

پدرام نواندیش

حداقل دستمزد توسط شورای عالی کار رژیم با چنین مکانیسمی و چنین ترکیبی قرار است پاسخ به نیاز کدام طبقه را مورد توجه قرار دهد؟

تعیین حداقل دستمزد کارگران در شرایطی که بورژوازی دولت را به عنوان ابزار سرکوب طبقاتی در اختیار دارد، و نیز در نبود تشکل‌های قدرتمند و مستقل کارگری، تنها تامین منافع طبقه حاکم را در دستور خود قرار داده است. این مکانیسم قرار است بورژوازی را در تامین نیروی کار هر چه ارزان تر حمایت کند. در این مکانیسم تعیین دستمزد، بورژوازی خلاف آن ادعاهای پوچ اش، در نبود نمایندگان واقعی کارگران، خود به تعیین بهای کالائی می پردازد که قرار است به اصطلاح آن را خریداری کند. نیروی کار طبقه کارگر آن کالای مورد خریداری سرمایه داران است که در پروسه کار و استثمار، تمام هستی و ثروت بورژوازی و هزینه دم و دستگاههای عظیم بوروکراتیک و دولت و کلیسا و مسجد و رسانه‌ها از آن تامین میشود. در کشورهایی که بورژوازی بر اختناق شدید و آشکار و استثمار گسترده نیروی کار ارزان اتکا دارد، به ضرب سرکوب و بگیر و ببند فعالین کارگری، توانسته است حداقل دستمزد کارگران را چندین برابر پائین تر از خط فقر تعیین و اعلام نماید.

واقعیت عریانتر از تبلیغات حکومتی است. دبیران اجرائی خانه کارگر وابسته به دستگاه

است. اولاً این که خود افزایش چهل و دو درصدی حداقل دستمزد با واقعیات حداقل زندگی کارگران و توده‌های کارکن جامعه ایران 227 (دویست و بیست و هفت درصد) تفاوت داشته و همان پیشنهاد نیز در صورت تصویب، منفعت بورژوازی‌ها را اسلامی را تامین مینمود که حتی از پذیرش آن نیز سر باز زده میشود. نکته بعدی القاء این شبهه در اذهان کارگران است که "نمایندگانی از سوی آنان" تلاش به عمل آورده‌اند تا حداقل دستمزدها را تا چهل و دو درصد افزایش دهند ولی موفق نشده‌اند و همانطور که آنها نتیجه را قبول کرده‌اند بایستی میلیونها انسان کارگر و کارکن به نتیجه اعلام شده تن در داده و مبارزه برای افزایش دستمزد همین بوده که آنان انجام داده‌اند و حرف آخر را کارفرمایان میزنند.

اما در سازمان دهی یورش سبانه به زندگی کارگران تحت نام تعیین حداقل دستمزد، جنایت کاری و توافق کارفرمایان و دولت آنان و پادوهای کم مقدارشان آشکارتر از پیش گردید. در هر جای دنیا این تفاوت در چهل و دو درصد پیشنهادی با هجده درصد تصویبی و اعلام شده، اعتصابات و تعطیلی‌های مراکز تولید و خدمات را به دنبال خود داشته که در مورد شورای عالی کارفرمایی تعیین حداقل دستمزد با سکوت و تائید پادوهای خانه کارگری رژیم مواجه شده است. پرسش اساسی این است که تعیین

شورای عالی کار رژیم اسلامی در تاریخ پنج شنبه 24 اسفند ماه، حداقل دستمزد سال آینده کارگران را با 18 درصد افزایش نسبت به سال پیش، مبلغ 389 هزار و 754 تومان تعیین و اعلام کرد. دولت سرمایه‌داران اسلامی پس از چند ماه اعلام این و آن پادو و دبیران تشکل‌های پلیسی وابسته به دولت که عنوان‌های "کارگری" را با خود یدک میکشند، بالاخره با تعیین این حداقل دستمزد بازی مسخره مثلث کارفرما، دولت و کارگر را بار دیگر به روی صحنه آورد.

در سومین نشست شورای عالی کار - شورای عالی کارفرمایان و رژیم اسلامی مناسب تر است - پیشنهاد چهل و دو درصد افزایش حداقل دستمزد کارگران را برای سال آتی طرح کردند که با مخالفت شدید کارفرمایان مواجه میشود. حتی اگر این پیشنهاد از سوی این مزدوران سرمایه‌مورد قبول قرار میگرفت که بر اساس آن مبلغی حدود 830 و 453 تومان میشود، با خط فقر موجود در جامعه، یعنی یک میلیون و پانصد و پنجاه هزار تومان تفاوت آشکار داشت. اما نهایتاً با قلدردی و تائید نوکران بورژوازی و دولت آنان، هجده درصد افزایش را که در قیاس با تورم و گرانی هیچ محسوب میشود، تعیین و اعلام میکنند. در رسانه‌ها هم اعلام کردند که نماینده کارفرما تاکید کرده که حتی حاضر نیست یک درصد بیشتر از آن چه که اعلام کرده‌اند به حداقل دستمزد کارگران افزوده گردد.

آنچه که به نام تعیین دستمزد از آن یاد میشود حاوی چند نکته مهم

تعیین حداقل دستمزد ، یورش دیگر رژیم

باید اعتصاب کرد ، باید رژیم را به عقب راند...

کارگران شرکت آرم فرم

11 ماه دستمزد و عیدی و پاداش پایان سال معوق!

سال به پایان رسید، 11 ماه دستمزدهای بیش از 150 نفر از کارگران شرکت آرم فرم از اردیبهشت ماه تا امروز به انضمام عیدی و پاداش پایان سال و سنوات کارگران پرداخت نشد. 11 ماه است که کارگران و خانواده هایشان در انتظار دریافت دستمزدهای ناچیزند، 11 ماه است که کارگران زحمتکش با عوامفریبی و تهدید کارفرما از امروز به فردا و از فردا به فرداهای دروغین دیگری حواله داده شده اند و حالا در روز پایان سال با ریاکاری، با شیادی فقط 500 هزار تومان به حساب هر یک از کارگران واریز شده است! کارگران و خانواده هایشان مانده اند با دنیایی از قرض و بدهکاری، فقر و نیاز و محرومیت مثلا در شب عید گرانی و تورم به همت حکومت اوباش اسلامی هر روز اوج بیشتری میگیرد، در حالیکه خانواده های کارگری در نهایت فقر و تنگدستی دستشان به جایی بند نیست. دسترنج و ثمره میلیاردری کار یکساله شان در حسابهای بانکی آشوری (مدیر شرکت) و همدستان دزدش تلنبار شده و حضرات چمدانهایشان را برای سفرهای نوروزی به کیش و امارات و اروپا و هر جهنم دیگری بسته اند. این عین جنایت سرمایه داری و اسلام در حق انسانهای زحمتکش و خانواده های کارگریست.

شرکت آرم فرم با بیش از 150 نفر کارگر قراردادی و سفید امضا با دستمزدهای 300 هزار تومانی و ساعت کاری نامحدود بنا به منافع و نیاز کارفرما، مجری احداث پروژه های راه سازی و ساختمانی است. دفتر مرکزی شرکت در خیابان قائم مقام تهران و هم اکنون کارگران شرکت در پروژه ساختمانی سایپا در کاشان و بخشی دیگر از کارگران در پروژه های ساختمانی در ارومیه مشغول به کارند.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری

۲۰ مارس ۲۰۱۲ - ۱ فروردین ۱۳۹۱

"آزادی"

یعنی رهایی کامل از قدرت و حاکمیت اقتصادی، سیاسی و فرهنگی سرمایه و سرمایه داری، یعنی رهایی از کلیه روابط، مناسبات و نهادهای اسارت آور و سرکوبگر جامعه بورژوازی، یعنی رهایی از چنگال بردگی مزدی، رهایی از انقیاد طبقاتی، رهایی از سرکوب ماشین دولتی بورژوازی، رهایی از بی حقوقی سیاسی و انقیاد فرهنگی، رهایی از پیله مذهب و پندارها و قوانین و ارزش های خرافه آمیز و عقب مانده جامعه موجود، رهایی از ستم های مذهبی، قومی و جنسی، رهایی از فقر و فلاکت، جهل و خرافه و کل تبعیضات و مصائب جامعه بورژوازی.

زندگی کارگران را جنبه قانونی بخشیده است. از آن جمله مهر تائید این پادوهای بورژوازی بر طرح غارتگرانه ریاضت اقتصادی رژیم در بیستم آذر ماه 1389 است. قرار هم نیست تشکل هایی که توسط دولت و یا به تائید کارفرما تشکیل میشوند، به هنگام تعیین دستمزد به دفاع از منافع طبقه ای وارد شوند که هیچ سنخیتی با آن ندارند. در واقع دلیل وجودی این تشکلهای مدافع وضع موجود و گرسنگی طبقه کارگر، علاوه بر رسمیت بخشیدن به استثمار کارگران و دفاع از کارمزدی، ایجاد مانع برای حضور نمایندگان واقعی تشکلهای مستقل کارگری در امری است که به حیات کارگران و خانواده های آنان گره خورده است.

بسیاری از تشکل های مستقل کارگری را با زور سرنیزه سرکوب کرده اند و رهبران و فعالین آنها هم اکنون یا در سیاه چالهای رژیم اسلامی گرفتارند و یا با هزار وسیله زیر فشارند و یا از کار اخراج گردیده اند. این رژیم ضد کارگری بدون سرکوب مستمر کارگران نمیتواند سرپا بماند. کافی است سگهای پلیس و دستگاه جاسوسی و سرکوبشان را برای چند روز و یا چند ساعت از خیابانها و کارخانه ها بیرون ببرند تا بساط قدری خود و دولتشان برای همیشه به زیاله دانی انداخته شود. نظام سرمایه داری و رژیم

در مقابل این سیستم نابرابر که گرسنگی میدهد تا ثروت اندوزی کند، بایستی چرخهای تولید را متوقف نمود، باید اعتصابی نفس گیر و گسترده در مراکز مهم کارگری سازمان داد. باید سرمایه داران و رژیم اسلامی اش را با قدرت متشکل کارگری به عقب راند. قدرت ما در صفوف متشکل ماست.*

مجمع عمومی

کارگران در اعتراضات جاری به مجمع عمومی متکی شوید! مجمع عمومی ظرف اعمال اراده مستقیم و مستمر توده کارگران است! جنبش مجمع عمومی کارگری را تقویت و گسترش دهید!

ناسیونالیسم کرد و مسئله زن

بخش کوچکی از رازهای سیاه

قسمت اول

دریا جوادیان



پروسه ای به قدرت سیاسی دست یافته بودند نیز انتظاری بیش از این نداشتند. مرتجعین محلی لشکرکشی آمریکا را "آزادی، دموکراسی و حقوق مردم" قلمداد کردند و از صفوف پراکنده، نامتشکل و بدون حزب کمونیستی طبقه کارگر نهایت استفاده را بردند. اکنون کردستان عراق هم دموکراسی دارد هم آزادی برای فرعونها و اوباش ناسیونالیست. حکومتی که به حکومت "حريم کردستان" شناخته میشود و توانسته بود با استفاده از کمکهای غرب و همچنین ضعفهای طبقه کارگر در این منطقه به قدرت سیاسی برسد همچون هر نظام بورژوایی دیگری از روز نخست با هجوم به ابتدایی ترین حقوق طبقه کارگر شروع به کار کرد. قانون اساسی عراق بعد از ساقط کردن حکومت دیکتاتور صدام حسین که برگرفته از اسلام بود با دموکراسی ترکیب شد و گفته شد دموکراسی و شریعت اسلامی منشاء کل قوانین این کشور خواهد شد. اکنون قوانین کشور عراق ترکیبی از دموکراسی با موشک کروز و قوانین قرون وسطایی اسلامی است. بعد از گذشت چندین سال از خون و خون ریزی تروریسم جهانی به سرکردگی آمریکا در عراق و بالا گرفتن اختلافات گروهها و جریانات مذهبی و ناسیونالیست که همدیگر را میدرند، شیرازه این جامعه از هم پاشید و اکنون سالهاست که طبقه کارگر و مردم ستمدیده در بدترین شرایط ممکن زندگی میکنند. در این شرایط اسفبار نیز زنان جزو آن بخش از این جامعه هستند که بیشترین ستم و وحشیگری ناشی از این حکومتهاى مرتجع اسلامی و قومپرست را به خود دیده اند. تحت حاکمیت قومپرستان، چندین برابر آمار کشته شدگان در بمباران شیمیایی حلبچه که توسط حکومت صدام حسین انجام شد و ناسیونالیسم کرد در عراق از طریق عزاداری برای آن برای خود اعتبار می خرید، زن در این جامعه هر کدام به طرقي کشته شده اند. زنان در کردستان

عراق تحت حاکمیت ناسیونالیسم کرد مورد تهدید، تجاوز، بد رفتاری، خشونت، و قتل عام توسط اسلامبها و یا بستگان خود قرار دارند و قاتلین از جانب حکومت حمایت و مورد پشتیبانی قرار میگیرند.

در حال حاضر براساس آمارها سالانه بیش از 20000 زن، یا روزانه 55 زن مورد تجاوز قرار میگیرند که این آمار مطمئناً گویای تمام حقیقت نیست، چرا که بسیاری از زنان، از ترس "رسوایی" یا برخورد شدید خانواده ها که اکثراً به قتل های ناموسی ختم میشود، از گزارش دادن جرم صورت گرفته خودداری کرده و خود به تنهایی ضربه روانی وارده را تحمل میکنند. طبق آمارهایی که در کتاب "اقیانوسی از جرم و جنایت: نوشته خندان همه جزا" منتشر شده، تعداد بیشماری از زنانیکه مورد تجاوز قرار گرفته اند از وابستگان به خود حکومت هستند.

آمار و مشخصات دختران قربانی قتل های ناموسی طی سال های 2000 تا 2003 در کردستان عراق، نتیجه 2 سال تحقیق یک تیم 7 نفره از وکلا، فعالین زنان و روزنامه نگاران است. آنچه حاصل شد لیستی متشکل از نام و مشخصات کامل 384 دختر جوان و نوجوان بود که بدست اقوام خود و بدلایل "ناموسی" به شکل فجیعی بقتل رسیدند. خفه کردن، به آتش کشیدن، و سربریدن از جمله اشکالی است که علیه زنان و دختران

گشودن این بحث برای پرداختن به وضعیت زنان در عراق و خصوصاً در کردستان عراق خواهد بود. در این بحث به کارکرد عملی و روزانه احزاب و جریانات ناسیونالیست کرد و سایر جریانات و احزاب دیگر که در این مناطق به زندگی اردوگاهی شان مشغول هستند اشاره خواهم کرد.

کشورهای اسلام زده به دلیل وجود گروهها و جریانات یا حکومتهای مرتجع اسلامی که طبق شریعت کثیف اسلامی مترصد حقه کردن پوسیده ترین افکار در اینگونه جوامع هستند، سابقه ای بس طولانی در ستم و تبعیض نسبت به زنان دارند. اسلام، مذاهب، ادیان، قواعد و اصول خرافی ناشی از آن یکی از ستونهای حاکمیت هر نظام سیاسی - اقتصادی بورژوازی بوده و خواهد بود. در این چهارچوب آن موجود خون آشامی که از سال 1991 به بعد با اعلام پرواز ممنوع آمریکا و بعداً کمکهای سیاسی- اقتصادی و لجستیکی آمریکا و سایر کشورهای دیگر در کردستان عراق بر تخت حکومت نشست نیز خارج از این قاعده نبوده و نیست. اگر قبل از سیادت مرتجعین محلی در کردستان عراق، بعدی از آن مسئله ای که به نام "مسئله ملی" در این منطقه باب شده بود، ستم و تبعیض بیشتر ناسیونالیسم عرب علیه بخشی از شهروندان عراق بود، بعد دیگر آن برای ناسیونالیسم مرتجع کرد در این منطقه حربه ای شد که خود را درپس این تبعیض پنهان کرده و ظاهر حق بجانب بخود بگیرند. اما دیری نپایید و هر روز که از

عمر این موجود سیاسی خطرناک میگذشت بر محنت و درد و رنج طبقه کارگر و مردم ستمدیده در این منطقه افزوده شد. قحطی، نبود ابتدایی ترین امکانات رفاهی، گرانی، بیکاری و فقر شدید، سرکوب و کشتار زنان به دستور شریعت کثیف اسلامی و دهها بلایای دیگر همچون آواری بر سر طبقه کارگر در این منطقه خراب شد. در این مقطع زمانی کوتاه هر نوع اعتراض به وضعیت رفاهی با این ترفند جواب میگرفت که حکومت "خودمان" هنوز پا ننگرفته است و "ما" زمان بیشتری میخوایم.

اگر کارگران، زنان، دانشجویان و سایر مردم زحمتکش اعتراضی میکردند، حکومت صدام و درندگی این حکومت را نشان میدادند و گفته میشد که هر نوع تشنگی در صفوف "ما" باعث شادی "عربها" خواهد شد. گرچه طبقه کارگر گوشش به این خزعبلات بدهکار نبود اما نبود یک آلترناتیو که بتواند راه را به طبقه کارگر در این کشور نشان دهد و همچنین به دلیل اینکه صفوف طبقه کارگر آن اتحاد لازم برای هر تغییری ولو کوچک را نداشت، نهایتاً این موجود سیاسی خطرناک از بالای سر اکثریت مردم به خود آنها تحمیل شد. در سال 2003 مرتجعین محلی به جاده صاف کن لشکر کشی تروریسم بین المللی به سرکردگی آمریکا تبدیل شدند. از این جریانات ناسیونالیست و قومپرست کرد که طی چنین

ناسیونالیسم کرد و مسئله زن

بخش کوچکی از رازهای سیاه

قسمت اول ...

جوان به کار برده شده است. قاتلین در اغلب موارد از اعضای نزدیک خانواده بوده اند. میانگین سنی این عده نیز 23 سال و 6 ماه است.

گرچه شمار واقعی این قتل ها بیش از این هاست و بسیاری از موارد بخاطر "حفظ آبروی خانوادگی" در آمارها گنجانده نشده است، دخترانی که از خانه خود به دلیل خشونت و یا ترس از ازدواج اجباری میگریزند، گرفتار مردان گرگ صفت منتظر در ایستگاه های اتوبوس و تاکسی میشوند. برخی از دختران هم به نام ازدواج، توسط خویشاوندان خود فروخته میشوند تا به نوعی وارد حلقه تن فروشان گردند. از سال 2003 میلادی تاکنون عراق بیش از یکصد هزار کشته و چهار میلیون و چهار صد هزار بیخانمان به جای گذاشته است.

لشکر کشی تروریسم جهانی به سرکردگی آمریکا و آشوب، رشد ناامنی و بی قانونی، سود آوری صنعت فحشا، فساد مقامات حکومتی، رشد افراط گری اسلامی، مشکلات اقتصادی، فشارهای ازدواج، خشونت و تبعیض علیه زنان، ربودن دختران و زنان بخشی از این دلایل هستند. سازمان جهانی مهاجرت، آمار کسانی را که از طریق مرزها فروخته میشوند 800 هزار نفر در سال اعلام کرده است. و با این وجود هنوز آمار دقیقی را نمیتوان در داخل عراق یافت.

خود را مسئول پیشگیری از این قتل ها نمی بیند." در کردستان عراق که احزاب اسلامی نفوذ کمتری دارند نیز آمار قتل های ناموسی افزایش یافته است. طبق منابع رسمی حدود 500 زن در سه سال گذشته به قتل رسیده اند. طبق یک آمار حکومتی سال 2011 در سه استان اربیل، سلیمانیه، دهوک و نیز بخش "گرمیان"، کشته شدن 349 زن تحت نام خودکشی، آتش سوزی و خودسوزی و یا آتش سوزی طبیعی و خفگی اعلام شده است. در همین راستا 171 زن زخمی و مجروح شده اند و آمارهای حاکی از 134 تجاوز جنسی انتشار یافته است.

اینها تنها بخش کوچکی از این آمارها هستند که به هیچ وجه کامل نیست. اما مسئله در اینجا تنها ارائه آمار و ارقام نیست. آنچه در اینجا از هر مسئله دیگری اهمیت دارند سوالی است که باید به آن جواب داد و آنهم این سوال است که منفعت سیاسی ناسیونالیسم قومپرست کرد در کردستان عراق چرا از هجوم وحشیانه به زنان تامین میشود. چرا اگر زن در این جامعه تحت وحشیانه ترین قوانین نباشند، کشته نشوند و بی حقوق نباشند، این مسئله خطری برای ناسیونالیسم قومپرست کرد در کردستان عراق است؟

در بخش دوم این مطلب سعی خواهم کرد که به این مطلب بپردازم .
ادامه دارد ...

کارگران شرکت توسعه و معادن

دستمزدها و پاداش و عیدی پایان سال کارگران معوق!

امروز بیست و نهم اسفند ماه، سر انجام پس از چندین روز جدال و کشمکش بین کارگران و عوامل کارفرما دستمزدهای اسفند و عیدی و پاداش پایان سال کارگران پرداخت نشد. به دنبال اعتراضات و پیگیریهای مکرر کارگران در چند روز گذشته و بنا به دستور موسوی مدیر کارخانه فقط مبلغ 500 هزار تومان بطور الحساب به حساب کارگران واریز شده است. این در حالیست که خواست کارگران محاسبه و پرداخت فوری دستمزدهای اسفند، پاداش و عیدی پایان سال و سنوات است.

پرداخت مساعده و اللحساب کلاه شرعی سرمایه داران برای دزدی و بالا کشیدن دستمزدهای ناچیز کارگران است. کارگرانی که یکسال گذشته را هر روز از صبح تا شب و حتی در ایام تعطیل در شرایط تحقیر و بردگی کار کرده اند در این روزهای پایانی با پرداخت اللحساب و مساعده های ناچیز عملاً ثمره کار یکساله شان به حسابهای بانکی سرمایه داران و اوباش دزدی از قماش موسوی ها سرازیر میشود. در حالیکه کارگران و خانواده هایشان با جیب خالی و کابوس بیکاری و اخراج از کار و فقر بیشتر به استقبال سال جدید میروند از طرف دیگر حکومت اوباش اسلامی سرمایه داران با تعیین سقف مبلغ 389 هزار تومان بعنوان دستمزد ماهیانه کارگران در سال جدید که حتی کفاف یک هفته زندگی خانواده های کارگری را در شرایط گرانی و تورم سرسام آور نمیدهد. تهاجم بیشتری علیه خانواده های کارگری را آغاز نموده است. اعلام و تصویب دستمزدهای مسخره 389 هزار تومانی از هم اکنون اعلام جنگ حکومت اسلامی سرمایه داران به کارگران در جهت استثمار بیشتر و تحمیل فقر و بیحقوقی بیشتر به خانواده های کارگریست. این جنایتی سازمان یافته علیه کارگران است که باید با مبارزه یکپارچه و متحد همه کارگران در مجامع عمومی و شوراهای مستقل کارگری با پیشروی کارگران در جهت خواسته هایشان و با سرنگونی حکومت اسلامی سرمایه داران جواب بگیرد.

شرکت ساختمانی توسعه و معادن با بیش از 100 نفر کارگر قراردادی با قراردادهای سفید امضا و یکطرفه و دستمزدهای 300 هزار تومانی و ساعت کاری از 8 صبح تا 5 عصر و اضافه کاری اجباری تا شب و کار در تعطیلات مجری و سازنده انواع پروژه ها و مجتمع های مسکونی و اداری در سطح شهر تهران میباشد. این شرکت در حال حاضر مجری احداث مجتمع های مسکونی در سعادت آباد تهران است.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری

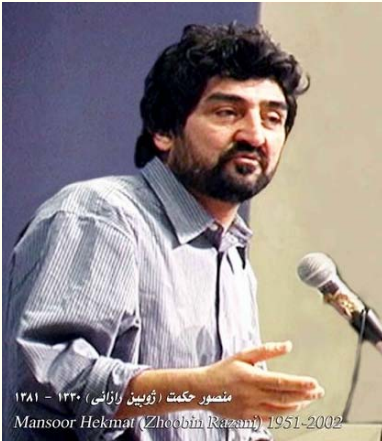
۲۰ مارس ۲۰۱۲ - ۱ فروردین ۱۳۹۱

قابل توجه علاقمندان و خوانندگان:

در باره زمان انتشار نشریه "آزیتاتور- سازمانده"

با پوزش بدلیل مشکلات کاری و محدودیت های زمانی، نشریه "آزیتاتور-سازمانده" که قرار بود اواخر ژانویه شروع بکار کند، انتشار آن به تاخیر می افتد. امیدواریم بر اساس جدول کاری ما انتشار نشریه در ماه آتی میسر شود.

تقریباً هر روز در یک گوشه کشور جسد تکه تکه شده و یا جسد سربریده یک زن پیدا می شود. "لیست سیاه این قتل ها بسیار بالاست زیرا هیچ وزارتخانه ای



اطلاعیه اول بنیاد منصور حکمت

گرامیداشت منصور حکمت در دهمین سالگرد درگذشتش

۴ ژوئیه ۲۰۱۲ دهمین سالگرد درگذشت منصور حکمت، متفکر بزرگ مارکسیست و لیدر سیاسی کمونیسم کارگری است. بنیاد منصور حکمت در نظر دارد که بمناسبت دهمین سالگرد مرگ وی مراسمی را با شرکت دوستانانش برگزار کند.

این مراسم روز شنبه ۷ ژوئیه ۲۰۱۲ در ساعت ۱۲ ظهر در گورستان هایگیت در لندن آغاز می شود. پس از جمع شدن در مقابل تندیس وی در هایگیت و نثار گل به سالی خواهیم رفت و مراسم را با زنده کردن یاد او ادامه می دهیم.

بنیاد منصور حکمت از تمام علاقمندان و دوستانان منصور حکمت دعوت می کند که در این مراسم شرکت کنند تا با هم یاد این انسان بزرگ و عزیز را گرامی بداریم.

اطلاعات بیشتر و دقیق تر بتدریج طی اطلاعیه های دیگر به اطلاع عموم خواهد رسید. برای دریافت اطلاعات بیشتر با ایمیل زیر تماس بگیرید:

majedi.azar@gmail.com

آذر ماجدی
مسئول بنیاد منصور حکمت

۲۰ مارس ۲۰۱۲

آثار

منصور حکمت را بخوانید!

برای هر کارگر و کمونیستی که به برپائی جامعه ای سوسیالیستی فکر میکند و آن را امری مبرم و ممکن میداند، منصور حکمت یک گنجینه غنی آموزش است.

<http://hekmat.public-archive.net/>
www.m-hekmat.com/

جهان بدون فراخوان سوسیالیسم،

بدون امید سوسیالیسم،

بدون "خطر" سوسیالیسم،

به چه منجلابی تبدیل میشود!

منصور حکمت

زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

سرنگون باد جمهوری اسلامی!